

هر نسلی تاریخ ادبیات خاص خود را می نویسد

گفتگو با دکتر محمود فتوحی؛ نویسنده، پژوهشگر و دانشیار دانشگاه فردوسی



با این توضیحات آیا امید داشتن یک تاریخ ادبیات مقبول و قابل اعتماد در ادبیات فارسی وجود دارد؟

آن چه بنده گفتم، مشکل همیشگی تاریخ ادبیات نگاری است که همیشه بر سر راه پژوهشگران آن قلمرو خواهد بود. طرح این مشکلات به این معنی نیست که دست روی دست بگذاریم. هر نسلی تاریخ ادبیات خاص خود را مبتنی بر درک و دانش خود می نویسد، چنانکه نسل های پیشین نیز کار خود را انجام داده اند. الان هستند کسانی که با همه این دشواری ها سراغ نگارش تاریخ ادبیات می روند. هر روز که می گذرد، اطلاعات لازم برای تدوین تاریخ ادبیات هر دور های، هم بیشتر می شود و هم معتبر تر. به نظر می رسد که گسترش دانشگاه ها و تمرکز بر پژوهش های ادبی و پایان نامه های دانشجویی دانشگاهی زمینه های بهتری برای مورخان ادبیات فراهم کرده باشد.

ظاهر باید چنین باشد، اما واقع امر این است که با وجود صدها دانشگاه، هزاران مقاله و بالغ بر دوازده هزار پایان نامه ی کارشناسی ارشد و دکتری در مطالعات ادبیات فارسی وضع چندان تغییر نکرده است. اگر هر پایان نامه ی دانشجویی بخش کوچکی از این تاریخ نگارانه را به دقت کاویده باشد باید ذخایر اطلاعات ادبی ما، هم از دقت و اعتبار بالا و هم از گستره ی وسیعی برخوردار می بود؛ اما متأسفانه گویی چنین نیست.

مقالات و پایان نامه هایی که در موضوعاتی مثل تکنگاری ها، تصحیح دیوان ها و منابع کهن، نقد و ازبایی، سبک شناسی و پژوهش در فردیت هنری، و جریان شناسی ها، مطالعات تطبیقی و... صورت می گیرد؛ همه این ها اگر قابل اعتماد و با روش دقیق و قابل اطمینانی انجام گرفته باشند به کار مورخ ادبی می آیند. بنده معتقدم که پژوهش ادبی دانشگاهی اگر به روشن شدن مسئله ای و طرح مسئله هایی در تاریخ ادبیات نینجامد، ماهیت علمی اش محل تردید است. پژوهشی که در حد «بک گزاره» به محتوای علمی تاریخ ادبیات مانیفرا اید نمی توان آن نام پژوهش اصیل و معتبر نهاد. تنها، دستاوردهای آن دستنه از تحقیقات ادبی به کار تاریخ ادبیات می آیند که روش مشخصی داشته باشند و مسئله ای را روشن کنند. اگر دستاوردها در یک از آن همه پژوهش هایی که انجام می گیرد تنها در قالب یک جمله یا یک پاراگراف به تاریخ ادبیات راه یابد ما نگرانی چندانی برای نوشتن تاریخ ادبیات نخواهیم داشت.

فردیت هنری و جریان شناسی و... باشد. این همه انتظارات آن هم با اطلاعات و قضاوت های معتبر از عهده ی یک نفر بر نمی آید؛ باید هر بخش را افرادی با تخصص های جداگانه بنویسند. به ویژه که موضوع تأثیر و تأثر و روابط بین متن ها و مؤلفان در بسیاری از بخش های تاریخ ادبیات فارسی هنوز ناشناخته مانده است. به همین دلیل کار ارزیابی نواوری و قضاوت در باره ی ابداع و تقلید و تأثیر چندان نمی تواند قابل اعتماد باشد.

۴. خیلی از مسائل ناشناخته در تاریخ ادبی در متن های ناشناخته هست که باید مورد تدقیق و تحقیق قرار بگیرد. متنی مثل مختار نامه ی (رباعیات) عطار مشکوک است، این موضوع از مقدمه ی کتاب و مقایسه ی آن با مقدمه ی تذکره الاولیا و جستجوهای تاریخی آشکار می شود. پژوهش ها در متون نثر عرفانی چندان امیدوار کننده نیست. خیلی از نسخه های خطی هنوز تصحیح نشده است. به ویژه دیوان ها و جنگ ها و منابع ادبی و تاریخی در چه دو سه از دوره ی تیموری و صفویه؛ مثلاً تذکره ی حجیم عرفات العاشقین که منبع بسیاری از تذکره نویسان و مورخان ادبی بوده است و حاوی اطلاعات دقیق در باره ی جریان های ادبی قرن های نهم تا یازدهم است، هنوز دقیق خوانده نشده است. انتشار هر یک از این کتاب ها بخش هایی از اطلاعات تاریخی ما را تغییر می دهد.

۵. رمانس ها و قصه های عامیانه و فولکلوریک با تکیه مانده اند. حتی در دوره ی معاصر آدم های ناشناخته و متن های مغفول زیاد داریم. مثلاً داستان نویس بودن ناصرالدین شاه، حالا بعد از ۱۵۰ سال مشخص شده؛ یا زمان ها و داستان های کوتاه محمد جعفر پیشه روی که تا حالا به عنوان یکی از مبارزان سیاسی دوران رضاشاه شناخته می شد، بعد از هفتاد سال منتشر شده است اما نامی از وی در کتاب های تاریخ ادب معاصر نیامده است. همه ی این ها به روشنی خبر از دشواری کار و غیر قابل اعتماد بودن اطلاعات موجود دارد.

این ها مشکلاتی است که پیش روی مورخ ادبی ماست. دشواری های دیگر مثل نداشتن پشتوانه ی نظری در مسائلی مثل دوره بندی، دایره ی زمانی معاصر، مسئله ی هویت و دامنه ی جغرافیایی و تاریخی ادبیات فارسی یا ادبیات ایران را هم باید بر این ها افزود که در کتاب نظری به تاریخ ادبی به تفصیل درباره ی آن بحث شده است.

نگاه الگو بوده و هست. معمولاً پژوهش گرانی که سراغ نگارش تاریخ ادبیات می روند کم تر ندادن کسانی که به تصحیح و شرح و تفسیر متون می پردازند، از طرفی این روزها نقد ادبی با الگوها و نظر به های جهانی خیلی پر طرفدار است. دلیل این اقبال کم به پژوهش در تاریخ ادبیات چیست؟

به یک معنی که قبلاً هم اشاره کردم همه ی این پژوهش ها در خدمت تاریخ ادبیات قرار می گیرند اما اگر منظور نوشتن کتابی با نام «تاریخ ادبیات» باشد؛ بله، اقبال خیلی کم است. استقبال از پژوهش در تاریخ ادبیات و نوشتن آن نسبت به دیگر شاخه ها به ویژه تکنگاری های پژوهشی خیلی کم تر است. علت این امر دشواری کار در نگارش تاریخ ادبیات است. نوشتن تاریخ ادبیات فارسی با چند مشکل بزرگ مواجه است که عرض می کنم:

۱. گسترده گی دامنه ی کار؛ گستره ی پهناور چهارده قرن نگارش در حیطه ی نظم و نثر و تنوع جریان های ادبی فارسی در شعر و نثر مانع از آن می شود که یک نفر به تنهایی بتواند، تاریخ ادبیات قابل اعتمادی برای ما بنویسد.

۲. ضرورت پژوهش در همه ی متون؛ بسیاری از قضایای مشهور تاریخ ادبی ما از منابع متأخر و دم دستی استخراج شده، در حالی که اگر متن های اصلی و نوشته ها و آثار خود مؤلفان خوانده شود اطلاعات تاریخی بسیار دقیقی به دست می آید که بسیاری از قضاوت ها را در باره ی مؤلفان تغییر می دهد. حتی در دوره ی غزنوی و سلجوقی که بیشترین تحقیقات صورت گرفته هنوز اطلاعاتی هست که ممکن است، قضایای مشهور در تاریخ ادبیات را تغییر دهد. متأسفانه به دلیل یک نوع نگاه کمال طلب در پژوهش های مامتون در چه دو سه چندان مورخ ادبیات قرار نمی گیرند. پژوهش ادبی به سوی کلان نگری و باور شاعر ها و ابرامتن های ادبی همچنان بانگاهی شیفته وار می نگردد. دوره هایی که با نام عصر انحطاط معرفی شده اند مثل دوره ی تیموری و دوره ی صفوی یا دوره ی بازگشت در عهد قاجار، به دلیل غلبه ی ذهنیت کمال گرایی، چندان مورد مطالعه ی دقیق قرار نگرفته اند. این دوره ها مشاعر جریانی است که در دوره های بعد منجر به شکوفایی می شوند.

۳. دامنه ی انتظارات از تاریخ ادبی؛ انتظارات از یک تاریخ ادبی بسیار زیاد است. معمولاً از یک تاریخ ادبی می خواهند که حاوی زندگی نامه های معتبر، نقد و ازبایی، سبک شناسی و شناخت

وحید حسینی بخش دوم و پایانی

در شماره ی پیشین صفحه ی نیستان / ادب (روز یکشنبه) بخش نخست از گفتگوی شهرآرنا با دکتر محمود فتوحی از نظر خوانندگان گرامی روزنامه گذشت. آن چه در پی می آید، بخش دوم و پایانی گفتگوی یاد شده است:

چرا پژوهشگران وطنی «بررسی روند تحول و دگرگونی» را در دستور کار نداشتند؟ آیا از کم کاری مابود؟

خب هنوز تا آن زمان نگارش تاریخی و ضرورت بررسی سبیر تحول، جدی نشده بود. مادر منابع تاریخ ادبی خودمان از قرن یازدهم به بعد می بینیم که بعضی پژوهندگان ادبیات، مثل تقی اوحدی کاشانی (نویسنده ی عرفات العاشقین ۱۰۲۴ قمری) و واله ی داغستانی (نویسنده ی ریاض الشعرا ۱۱۶۱ قمری) حس تحول و لحظه های تغییر ادبیات را دنبال کرده اند، ولی دلیل اینکه اروپایی ها به این امر بیشتر توجه کرده اند، این بود که آن ها در جریان شرق شناسی دنبال شناخت هویت ملت های شرق بودند. در قرن هجدهم تب شرق شناسی در میان دولت ها و نخبگان اروپا بالا گرفت. در آغاز مقالات و کتاب هایی منتشر می شد که به اجمال تاریخ و فرهنگ و ادبیات ملل شرق را معرفی می کرد. آن ها پژوهش در تمدن های شرقی و از جمله زبان ها و ادبیات ایرانی را در سه مرحله پشت سر گذاشتند:

۱. مرحله نخست؛ شناسایی نسخه ها و دست نویس های آثار علمی و ادبی تمدن های شرقی و چاپ و ترجمه ی آن ها

۲. مرحله ی دوم؛ نگارش زندگی نامه و شرح احوال علمی فرهنگ سازان شرقی است؛ زیرا شناسایی دقیق مؤلفان و نویسندگان آن منابع ضرورت بسیار داشت.

۳. مرحله سوم؛ نگارش سبیر تاریخی خردهای علمی و ادبی بود. در این مرحله، آثار و اندیشه ها را طبقه بندی و تحلیل و نقد و ارزیابی می کردند. سبیر پیدایی و انحطاط جریان های فکری و ادبی را دنبال می کردند و مشخص می کردند که تأثیر و تأثر ها چگونه است و از این طریق اصل اندیشه ها و دانش ها را ردیابی می کردند. آن ها طبعاً نیاز به کتاب هایی داشتند که سبیر تاریخ تحول و دگرگونی فرهنگ و ادبیات فارسی را به تصویر بکشند و در ک روشنی از جریان های فکری و فرهنگی مارا در گذر تاریخ ارائه کنند.

به نظر شما یادساوردهای تحقیقات ایران شناسان اروپایی تأثیری در تدوین تاریخ ادبیات ما داشته اند؟

واگر داشته اند چه نوع تأثیری؟

شرق شناسان پژوهش های ادبی و تاریخی را هم روزتر از شرقی ها شروع کردند و هم دقیق تر و علمی تر پیش رفتند. با شروع نهضت های علمی در اروپا روش علمی در پژوهش های علوم انسانی به ویژه متن شناسی و تاریخ ادبیات نویسی هم مطرح شد. در تاریخ ادبیات روش های دو نفر فرانسوی سال ها الگو بود؛ یکی هیپولیت تین و دیگری گوستاو لاسون. روش لاسون به ویژه بر هرمان اته و ادوارد براون در نوشتن تاریخ ادبیات ایران تأثیر گذاشت. بعد از آن نخستین کتاب های تاریخ ادبی مامل تاریخ ادبیات بر حوم رضا زاده ی شفق (سال ۱۳۱۳ شمسی) که برای دبیرستان ها نوشته است، ادبیات خود را از کتاب های هرمان اته و ادوارد براون گرفت. بر حوم شفق اول کتاب هرمان اته را ترجمه کرد و بعد کتاب خود را نوشت. دیگران هم غالباً کتاب درسی نوشتند؛ مثل ملک الشعرا بهار (۱۳۲۰) و حسین فریور (۱۳۲۱) و سلیم نیساری (۱۳۲۴)؛ اما الگوی خود را از شفق گرفتند، تا اینکه استاد ذبیح الله صفا از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۷ بزرگ ترین مجموعه ی تاریخ ادبیات فارسی را در پنج جلد و هشت مجلد منتشر کرد.

علاوه بر این، بخش زیادی از نسخه های خطی فارسی را خاورشناسان گردآوری و ویرایش و چاپ کردند. علامه محمد قزوینی که الگوی کامل متن شناسی و تصحیح است، روش کار ویرایش متون کهن را از غربی ها آموخت. کار خاورشناسان هر چند ایرادها و اشکال هایی دارد اما از لحاظ روش علمی و نوع



همسو با هنر رضوی

جشنواره امام رضا (ع) باید ما را

با تمامی ابعاد شخصیت امام آشنا سازد

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس گفت: جشنواره امام رضا (ع) باید در قالب های مختلفی هنری چون، شعر، سرود، فیلم و... ما را با تمامی ابعاد شخصیت امام آشنا سازد. علی مطهری افزود: برگزاری جشنواره در زمینه های مختلف اساساً کار خوبی است مسئله ای که مهم تر از چگونگی و نحوه برگزاری جشنواره می باشد هدف اصلی بر گزار کنندگان جشنواره از اجرای آن است.

وی در ادامه اظهار داشت: اینکه این جشنواره چقدر می تواند در ترویج فرهنگ رضوی و سبیره امام رضا (ع) در جامعه تأثیر گذار باشد بستگی به محتوای جشنواره دارد. مسلمانا اگر این جشنواره مردم را با سبیره، روش، مقام والای علمی، روش بر خودایشان با حکومت های وقت، مسئله و ولایت مهدی، رفتار اجتماعی، شیوه بر خوردن این بزرگوار با پیروان سایر ادیان و کلابایک نگرش و دید جامع ما را با امام رضا (ع) و تمامی ابعاد وجودی شخصیت ایشان آشنا سازد می توان گفت این جشنواره موفق بوده و تلاش بر گزار کنندگان به ثمر نرسشته و مردم را با مسائلی آشنا ساخته که شاید تا قبل از این جشنواره اطلاعی از آن نداشتند و برای این آگاهی می توان از ظرفیت ها و قالب های مختلفی مثل فیلم، سرود، شعر و غیره استفاده کرد.

این آب و خاک همیشه از برکت وجودی

امام رضا (ع) بهره مند بوده است

علی اکبر جوانفکر مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور گفت: این افتخار بزرگی برای ملت ایران است که مضع شریف ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) در ایران عزیز قرار گرفته است و این آب و خاک پاک همیشه از برکت وجودی آن امام مدام بهره مند بوده است.

وی در خصوص برگزاری جشنواره امام رضا (ع) افزود: جشنواره امام رضا (ع) فرصتی برای نزدیک شدن به آن امام عزیز باشد بنابراین از بر گزار کنندگان و دست اندکاران جشنواره انتظار می رود که بار معنایی و محتوایی آن را آنجا که ممکن است، غنا بخشند به گونه ای که شرکت کنندگان و به تبع آن ملت ایران بیشترین بهره معنوی را از آن ببرند و هر بار با در سبایی تازه و راه گشا از زندگی نورانی آن امام عزیز آشنا شوند.

جوانفکر بیان اینکه در جهت مردمی شدن جشنواره کار های خوبی انجام شده اظهار داشت: پیشنهاد می کنم در استان ها جشنواره را نه در مرکز استان بلکه در یکی از شهر های دور افتاده استان بر گزار شود. تا در سایه برگزاری این جشنواره، آن شهر و مردم آن منطقه احساس عزت و غرور کنند. باید به این نکته هم توجه کرد که به جشنواره چگونه رسمی داده نشود و تاملی نشود آن را مردمی کرد. وی افزود: جشنواره امام رضا (ع) را به حضور آن پیرزن و پیر مرد روستایی زبیده کنید که در حسرت زیارت مردقد شریف امام خویش هستند. وی ادامه داد: ایران عزیز گلستانی از ادب و رسوم مختلف است که همه احاد آن عاشق امام رضا (ع) هستند. وقتی جشنواره را به میان مردم با ادب و رسوم مختلف بید، بر زیبایی و جذایت آن خواهید افزود. نباید از نواوری ترسید و باید به استقبال کتاب هایی رفت که امام عزیز را در دل مردم تازنده پند خواهد کرد.

راه یافتگان به مرحله دوم رشته تذهیب

جشنواره هنر های تجسمی

مسئول دبیر خانه جشنواره هنر های تجسمی رضوی اسامی راه یافتگان به مرحله دوم رشته تذهیب در جشنواره هنر های تجسمی رضوی را اعلام کرد. محمد هادی فخرایی اظهار داشت: پس از بررسی ۵۶ اثر از اسالی در بخش تذهیب به دبیر خانه جشنواره، تعداد ۱۲۹ اثر انتخاب شد. وی افزود: حکیمه کریمی، لیلی پور خانی و زهرا کریمی از تهران و فاطمه مرادی، عسگر مرادی، زینب رهنما و محسن مرادی از گیلان از راه یافتگان به این جشنواره می باشند. فخرایی بابیان اینکه هنر مندانی که مر حله دوم راه یافتند باید اصل اثر را تائید کنند. مهر ماه به دبیر خانه جشنواره راه سال کنند، گفت: نجمه طالب نیالی لاندرا، افکن، طلیه دل آرام، مر ضیه مسافر، افسانه فقیری، بنیت الهدی همایی، سعید ذراعی فرد، آرتنا باقری، فاطمه زیدی، مهر انگیز برقی و فهیمه یوسنی از هنر مندان استان فارس هستند که به مرحله دوم این جشنواره راه یافتند.

مسئول دبیر خانه جشنواره هنر های تجسمی رضوی، آیدین نخلبند از اصفهان، رضا عابدی از مازندران، سیده مجتبی قاسمی از خراسان رضوی، میر مهدی سیدی از اردبیل و لیلیا زینلی کیلکه از همدان را از دیگر برگزیدگان این بخش دانست و ادامه داد: فاطمه حقیقیان، ونوس کریمی یگلانه، فریا قنبریان، سارا رزمی و سمانه گلایبان از راه یافتگان به مرحله دوم بخش تذهیب جشنواره هنر های تجسمی رضوی می باشند.

داوری بخش تذهیب جشنواره هنر های تجسمی را انجودیی، تنکابنی و محمودولی محمدرحماتی بر عهده خواهند داشت.

جشنواره امام رضا (ع) زمینه تحول

در خوش نویسی کشور را فراهم آورده است

یک عضو هیئت تشخیص خط شکسته انجمن خوش نویسان کشور گفت: جشنواره امام رضا (ع) در مدت شش سال برگزاری خود، زمینه تحول در خوش نویسی کشور را فراهم آورده است.

نقی ریاحی افزود: این جشنواره همچنین زمینه شناسایی و معرفی هنر مندان خوش نویس گننام کشور را مهیا نموده است.

وی گفت: با این حال اگر قرار است در کارش موفق تر باشد، بهتر است در پایان جشنواره استانی، زمینه حضور استادان شاخص در آن رشته هنری را از سراسر کشور فراهم آورد تا ضمن باز دید از نمایشگاه آثار عرضه شده، به ارزشیابی آن آثار بپردازد.

ریاحی افزود: البته این ارزیابی جدای از قضاوت هیئت داوران می باشد و تنها به منظور آشنایی هنر مندان سراسر کشور از یکدیگر می باشد.

خیال نگاری برای حافظ توسی

به مناسبت ۲۰ مهر روز بزرگداشت حافظ و تولد فردوسی

بر می افزود و هر گاه از عشق و رندی و سرمستی می خواند، جهان بی مرز عاشقان را بر می آشوبد چنانکه نه تنها در زمین، بل در آسمان چه عجب گریه گفته حافظ، سرودن هر به رقص آورد مسیحار؟!!

گاه می سرسراید: چو فردا بر آید آفتاب / امن و گرزو میدان افراسیاب، چنانکه ایرانیان در سراسر تاریخ، جوانمردی و سر بلندی رستم را می نگرند و تورانیان، بسا همه زانوان خویش، لرزیدن و بسه خاک افتادن را رصدمی کنند و هم آنگاه می خواند: شعر حافظ، همه بیستالغزل معرفت است / آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش / اتا شنونده ی شعرش، چنان در بحر بی کران

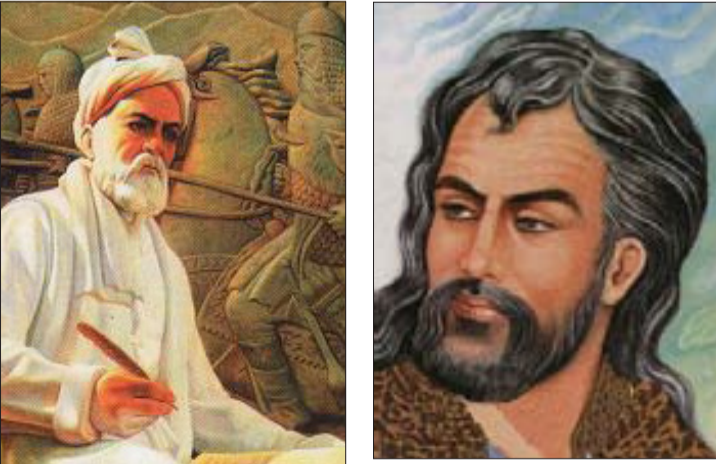
بالبلندان ایرانی، سبه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی را نیز به رقص می آورد، کوشیده است، با بیان داستان های متعدد که بشود «شاعر زمانه ی خود» نامیدشان، از آنچه توقع کردیم پارا فراتر خواهد نهاد و دامنه ی خواست ها را تا تعهدات اجتماعی و هم صدایی باهال زمانه، امتداد خواهد داد! با چنین تصویر و تصویری آیا می توان در میان گذشتگان شعر این سامان شاعری را سراغ داشت که جامع جمیع جهات باشد و نقش ادبی و اجتماعی خود را، تمام و کمال و توأمان ایفا کرده باشد؟! اگر در مفهوم «توأمان» غور کنیم و بر جامعیت آن

انگشت بگذاریم، بالطبع برای این پرسش با پاسخ روشن و موشیتی مواجه نخواهیم شد.

اگر آنقدر آزادی می داشتیم که بتوانیم حقایق تاریخ ادبیات را با امان ملی و اجتماعی خود در پیوندی خیالی کنار هم بگذاریم و از این تلفیق، واقعیتی مسلم فرض کنیم، آنگاه می گفتیم که:

بزرگترین شاعر ایران زمین، شخصی است به نام «خواجه شمس الدین فردوسی» ملقب به «حافظ توسی» که دیوان غزلیاتی دارد به نام «شاهنامه» و در آن، ضمن پرداختن به ظرفیت ترین مضامین عاشقانه و عارفانه (و گاه فلسفی و اجتماعی) به شکلی که جز

این توقع از شاعر و شعرش، بالطبع توقعی حدوا سنتی و عادتت است. شاعر امروز، اگر نه در وجه کاملاً آواگارد و پیست مدرنش، در همین حدود شاعران متعهد که بشود «شاعر زمانه ی خود» نامیدشان، کار جدی شعر می پرسم، پس، به همین عنوان، اجازه دارم پیش از دیگران به آن پاسخ بدهم: من از یک شاعر و شعرش - در حد ذوق و درک ادبی ام - می خواهم که از درجه ی شعر و فرجه ی شاعری اش مرابه ندیای زیبای کلمات ببرد و آنجا در سایه سار مضامین زیبا، طبع روان و بیان محکم و یکدست، بگذارد که اندیشه و خیال به پرواز در آیند و عمیق ترین لذت های معنوی را نصیب کنند.



علیرضاسپاهی لایین



فرخوان برگزاری نمایشگاه هنر های تجسمی رضوی